



۲ تعریف دین و تعیین قلمروی آن

۷ نظام تنزیلی منطق مرجع مهندسی  
فرآیند و سازوکار آینده‌نگاری راهبردی

۱۱ ساختار پیشنهادی صاحبان حوزه  
علم اصول در بوته نقد

۱۲ تعریفی نواز فلسفه فقه و روش آن

۱۵ فلسفه و ساختار مدیریت دانش  
دین‌شناخت پیشرفت

### خبرنامه داخلی

مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد)  
سال هفتم، شماره سوم، خرداد ۱۳۹۸

## به نام خداوندگار حکمت تغییر

### پیش حکایت

اندیشه پیشرفت در تکاپوی مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد) رهسپار نظریه پیشرفت و آنگاه جریان تحقیق و توسعه و ساحت گفتمانی آن است. بخش‌های تخصصی این تکاپو، هم‌خردی هماهنگی دارند؛ و اینک گام خرداد و دیگر نمونه تکاپوهای پژوهشی گروه‌های مرکز در این ماه:

- ۱- در گروه مطالعات نظری و تحقیقات مبنایی و در فصل پردازش مبانی پارادایمی و نظری اندیشه پیشرفت، هم اندیشی استادان بزرگوار مدعو، از سلسله مباحث «جهان دینی، جهان جدید»، در این گام، معطوف به مبحث انتظار از دین - نیاز به دین است؛
- ۲- در پردازش حیث استنادی این اندیشه مرجع به متن نص در گروه پژوهش قرآن کریم و سنت اوصیایی، تفصیل تازهای از خط هدایت در سومین سوره قرآن کریم (آل عمران): مدنیت رشد در تداوم خط تمدنی، پیشنهاد شده است؛
- ۳- در فرآوری الگوی اخلاق و سبک زندگی (حیث زیستمانی اندیشه و نظریه پیشنهادی پیشرفت)، به بحث «از فلسفه دین رهسپار منطق دین» در بازخوانی نیایش به مثابه متطق فهم دین پرداخته می‌شود؛
- ۴- در فرآوری ساحت حقوقی و فقهی نظریه پیشنهادی پیشرفت (فقه نظام پیشرفت)، فلسفه فقه و روش آن، تعریفی نو به خود می‌گیرد.

نشست هم اندیشی فهم تمدنی قرآن و سمینار سوم دومین کنفرانس قرآن پژوهی پیشرفت، رویدادهای گام خرداد این نهاد تحقیقاتی هستند.

مخاطب این گزارش مانند هر گزارش دیگر همواره فراخوان به تحلیل دو دستاورد در مجموعه این گزارش‌ها و تکاپوهاست. یکی اینکه در کلیت فعالیت‌ها، جهت‌گیری عمومی این نهاد پژوهشی کدام سمت و سوست و در این راستا، چه گام‌های کلانی برداشته شده است و به طور خاص، مرز فارق این دستاورد عام با دیگر جریان‌های اندیشه‌ای و دستاوردهای دانشی در موضوعات مشترک آن پژوهش جامع چیست؟ و دیگر اینکه، در هر گروه تخصصی چه اتفاق تازه دانشی افتاده است و نسبت دادوستدی این دستاوردها با دیگر بخش‌ها و جریان کلان اندیشه‌ای مرکز با تأکید مرز مقایسه‌ای با دیگر آراء و جریان‌های اندیشه‌ای با موضوع مشترک چیست و در سرجمع آن کل و این جزء، اگر نقد و نظری از سوی خواننده موجه است، به دفتر مجله اعلام شود.

دبیر علمی

## پردازش مبانی پارادایمی و نظری اندیشه پیشرفت

دبیر علمی: احمد آکوچکیان

تعریف دین  
و تعیین قلمروی آن

اما وقتی گفته می‌شود در قلمرو دین، نگاه به شریعت و قانون و حقوق است؛ بر خلاف نظریه مشهور است. بر این باورم که دایره دین در این زمینه خیلی وسیع نیست؛ یعنی لزومی ندارد که از نظر هستی‌شناسی و طبیعت‌شناسی خدا باور باشیم، ولی از نظر شریعت همه قلمرو دین را در همه زمینه‌ها قائل به گسترش نباشیم. برای مثال در عبادات و برخی از احکام را می‌توان جزء دایره دین قرار داد. اما آنچه که در فقه به عنوان معاملات عام یا اعم تعبیر می‌شود، روابط مربوط به مدیریت و از این قبیل است؛ و هیچ‌گونه دلیلی وجود ندارد که از دامنه و قلمرو دین است و نباید هم اصرار داشت مگر با این نگاه که اگر عقل را یک پدیده محض دینی بدانیم، شاید بتوان گفت که مرکز شریعت‌گذار را نقل ندانیم و از نظر مفهومی توسعه‌ای قائل باشیم که عقل را هم جزء نقل بدانیم، می‌توان چستی قلمرو تشریحات را هم امر دینی دانست. با توجه به اینکه از نظر ما در عمل، عقل، نقش اساسی در وضع ضوابط و مقررات روابط بین انسان‌ها ندارد، و در حالی که در بسیاری از موارد، وضع ضوابط بر عهده عقل است و این موارد نمی‌تواند دینی محض و یا حتی در سطح دینی باشد، می‌توان گفت که امور مربوط به قانون‌گذاری و اداره امور زندگی انسان‌ها در حوزه دین و قلمرو دین قرار دارد ولی بعضی از چیزها خارج از این محدوده است.

۲- نظریه دوم: جواب دادن به این سؤال که قلمرو دین چیست، تا اندازه زیادی معطوف به این است که چه تعریفی از دین ارائه می‌کنیم. گاهی مراد ما از دین، نهاد دین است. یعنی به اصطلاح حوزه علمیه یا برای مثال کلیسا یا مرجعیت و یا چیزهایی از این قبیل، و وقتی از قلمرو دین پرسیده می‌شود می‌خواهیم ببینیم قلمرو اختیارات، و وظایف کلیسا یا حوزه علمیه چیست؟ این یک مشاجره تاریخی بوده که گاهی فراز و فرودی داشته است. در پاره‌ای از موارد دین قلمرو خودش را این‌گونه تعریف می‌کرده است که در همه حیثیت‌های وجودی زندگی انسان‌ها دخالت کند و اساساً چیزی به جز دین نبوده است و این سؤال که قلمرو دین کجاست؟ خود زائیده سکولاریزاسیون است و الا پیشتر پرسش از قلمرو دین بی‌معنا بوده است. معلوم بوده است که دین در همه حوزه‌ها می‌تواند ورود کرده و نظر بدهد. هر علم یا دانشی را می‌تواند باطل اعلام کند، هر دردی (جسمی روحی) را می‌تواند درمان کند. برای مثال تا اواخر قرون وسطی در اروپا جوامعی بودند که براساس آموزه‌های کتاب مقدس بیماران خود را درمان می‌کردند و بر این عقیده بودند که در نهاد پزشکی و درمان، هم، دین ورود دارد. هر چه به دوره مدرن نزدیک شدیم این سؤال هم مهمتر شد و هم بیشتر مطرح شد که به راستی

سلسله مباحث نشست انجمن «جهان دینی جهان جدید» با حضور اساتید صاحب نظر در این حوزه، در گام خرداد ماه، بحث و بررسی پیرامون تعریف دین در پنج سرفصل برجسته را در دستور کار خود داشت:

۱- دین، حقیقت و تحقق که جناب آقای دکتر میرزایی جایگزین مباحثی چون گوهر و صدف دین، جوهر و عرض دین می‌دانند (دین را به امر ثابت و فراتاریخی که همان حقیقت دین است و تحقق دین را بیرون از دین و به مفهوم امر تاریخی و یا به تعبیری عرضی تعریف می‌کنند)؛

۲- گام دوم: بحث نمایانگان نزدیک این بحث مثل گوهر و صدف دین، جوهر و عرض دین و ...

۳- سومین گام: رابطه حقیقت و تحقق دین در نسبت با وحی و امر وحیانی؛ با این توضیح که آیا در جوهر دین، حقیقت و تحقق را یکسره وارد می‌کنیم یا معتقدیم که وحی انبیايي تنها حوزه حقیقت امر فراتاریخی است و امر تحقیقی بیرون از وحی قرآنی و وحی انبیايي است؛

۴- گام چهارم: نسبت وحی و دین از چشم انداز رابطه حقیقت و تحقق دین؛

۵- گام پنجم: ثبات و تحول در دین، حقیقت دین و حیث اقدامی آن؛ اینکه امر متحول در دین آیا صرفاً در مقام تحقق دین است یا حقیقت دین هم امر تحول را بر می‌تابد.

پس از تبیین تعریف دین، اساتید حاضر در این نشست، مبحث قلمروی از دین را مورد واکاوی قرار دادند:

۱- نظریه اول: بحث از موضوع قلمرو دین، به نوع نگاه ما در رابطه با قلمرو دین بستگی دارد. یعنی اینکه نوع نگاه ما هستی‌شناسانه، طبیعت‌شناسانه یا نگاه ما شریعت‌مدار و شریعت‌شناسانه است. اگر از نگاه هستی و وجود، یک نگاه هستی‌شناسی به دین داشته باشیم، بر این باوریم که خدا آفریدگار همه موجودات در گیتی است و هیچ دایره‌ای از موجودات خارج از حیطه و سیطره خداوند نیست. همه ظواهر وجود از آن خداوند است و دایره آفرینش دایره دینی است و در این شکی نیست (نگاه خدا باورانه و خدامحورانه). اگر نگاه ما بر اساس طبیعت و حیات و زندگی باشد، باز هم همینطور است.

مدخلی بر  
روش‌شناسی  
پسینی تفسیر در  
آراء دکتر احمد  
پاکتچی

الگوی جامع نظر و عمل پیشرفت شناخت دین و دین‌شناخت پیشرفت در کاربردی‌ترین ساحت، سودای پیشنهاد الگوی تفسیر و تدبیر جهان را دارد که یک بهره آن، پایش مستمر مدرنیته دین‌شناخت رشد - توسعه در مقتضیات اقلیمی و تمدنی جامعه هدف است. الگوپردازی راهبری تحول به اعتبار نقش کانونی آن در فرآوری این مدرنیته، هدف برجسته دین پژوهی معاصر است. پارادایم‌پرداز پیشینی برای ورود به نظریه و مکتب تفسیری پیشرفت شناخت، خاستگاه ناگزیر آن الگوپردازی است که یک مدخل برجسته آن، پارادایم‌پردازی پسینی و به طور خاص، معرفت‌شناسی روش‌شناسی پسینی است. چرایی این رویکرد پسینی نیز، در مهیاسازی زمینه پیوستگی هویتی با تاریخ علم تفسیر، تحول درونزا و اقلام قابل استحصال ارکان ساخت پیشینی از پیشینه دانش تفسیر، جواب می‌گیرد. رویکرد دکتر احمد پاکتچی با گرایش تخصصی خویش در این پسینه و پسینی پژوهی می‌تواند مساعدت بایسته‌ای برای تحصیل آن اقلام داشته باشد.

فلسفه روش تا فلسفه اصول استنباط از متن مقدس، دو ساحت پیشینی و پسینی دارد. در ساحت پیشینی از نظریه و مکتب برگزیده اصولی سخن می‌رود که در ساحت پسینی، تاریخ علم اصول مرور می‌شود تا در ذیل مکتب برگزیده اصولی و در دادوستد با آن، پایش اندیشه اصولی به زبان معاصر برگزیدن مکتب اصولی معین شکل گیرد.

ارزشمندترین و پرمایه‌ترین منبع بررسی تاریخی فلسفه روش - اصول، پژوهش پسینی تفکر تفسیری (تاریخ تفسیر) است. دکتر احمد پاکتچی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، یکی از زمره اندیشمندان کوشای این قسم از پژوهش تاریخ تفسیر است. با مرور اثر مکتوب ایشان، گفتگوی اندیشه‌ای با ایشان تنظیم می‌شود. دوره‌های فکر فلسفه روش و فلسفه اصول در عرصه فکر تفسیری، در الگوی تاریخی زیر، دوره‌بندی می‌شود:

۱- دوره مبنا و لحاظ فلسفه روش - فلسفه اصول در متن قرآن کریم و سنت نبوی - اوصیایی از وقت بعثت رسول تا وقت غیبت امام عصر (ع) (اواخر سده سوم)؛

۲- دوره متقدم و در بخشی از آن به موازات دوره مبنا، در سنت تفسیری اهل اجتهاد (سده اول تا حدود قرن چهارم)؛

۳- دوره میانی اول (قرن‌های پنجم و ششم)؛

۴- دوره گذار (قرن هفتم تا دهم)؛

قلمرو دین کجاست؟ این سؤال که «قلمرو دین کجاست؟» وقتی مراد از دین نهاد دین باشد، در حقیقت بر یک پذیرش تفکیک نقشی استوار است و این از خصلت‌های دنیای مدرن است. سؤال از اینکه «وظیفه دین چیست؟» بر این قاعده استوار است که گویی ما در جامعه نهاد‌های مختلفی مثل اقتصاد، امنیت، بهداشت، آموزش، سیاست، ارتباطات داریم که یکی از آنها هم مذهب است و وقتی سؤال می‌شود که قلمرو دین کجاست، گویی برای نهاد‌های دیگر نقشی قائل هستیم. حال سؤال می‌شود قلمرو دین کجاست؟ این سؤال بر اساس یک تقلیل و تمایز نقشی استوار است. بنابراین یک سؤال جدید است:

الف. اگر منظور از دین این باشد که قلمرو دین کجاست؟ قاعدتا نمی‌توان به این سؤال جواب روشنی داد، چون دین در روزگارهای مختلف، قلمروهای متفاوتی داشته است. یک زمانی یافته‌های علمی را هم ارزیابی می‌کرد و خودش را مجاز می‌دانست که درباره آن‌ها نظر بدهد و در یک زمان دیگری هم پذیرفته است که به جز او، کنشگران یا سازمان‌ها و ساختارهای دیگر هم می‌آیند و نقش بازی می‌کنند.

ب. اما گاهی مراد از دین، مفهوم تجربی دینی است به این معنا که قلمرو تجربه دینی کجاست؟ یعنی در کجا تجربه دینی اتفاق می‌افتد. یا در چه مسائلی، انسان احساس می‌کند که تجربه دینی به کار می‌آید و نیازمند تجربه دینی است. اگر سؤال این باشد، در این صورت سؤال از قلمرو دین؛ یعنی سؤال از قلمرو تجربه دینی است و قاعدتا جواب‌های زیادی دارد.

۳. نظریه سوم: هنگامی که از قلمرو دین سخن می‌رود، به نظر می‌رسد پیش از هر چیز مفروض گرفته‌ایم که دین به چه معناست و آن گاه به قلمرو دین می‌پردازیم. با توجه به مباحث گذشته، در یک تعریف کلان کلی، «دین» آن سنت زیستی یا آن الگوی زیستی استعلائی امر انسانی در نسبت با امر نامتناهی غایی الهی تعریف شد. اگر این گونه بود، در واقع، دین را نه به مثابه نهاد دین منظور نظر داریم آنچه که در دوره معاصر اتفاق افتاده است و تجربه‌های چهار دهه اخیر هم به آن دامن زده است و نه حتی در تفسیری که جیمز از تجربه دینی دارد و بیشتر حیث روان‌شناخت این نسبت استعلائی مد نظر است. بلکه با یک الگوروبرو هستیم که در یک ماتریس دست کم دو وجهی می‌تواند خود را نشان دهد. وحی و عقل دو منبع دین می‌شوند که پیشتر هم پیشنهاد شد تا مفهوم وحی از دین و امر دینی و دینداری تفکیک شود و معلوم شود مراد ما چیست؟ اگر مراد آن الگو یا آن سنت زیستی استعلائی است، دیگر مراد نه تجربه صرف دینی روان‌شناخت دینی یا هستی دارانه دینی است و نه نهاد دین.



“  
الگوی جامع نظر و عمل پیشرفت شناخت  
دین و دین شناخت پیشرفت در کاربردی‌ترین  
ساحت، سودای پیشنهاد الگوی تفسیر و  
تدبیر جهان را دارد که یک بهره آن، پایش  
مستمر مدرنیته دین‌شناخت رشد - توسعه در  
مقتضیات اقلیمی و تمدنی جامعه هدف است.  
”

۵- دوره برونزایی تحول (میانه قرن یازدهم تا قرن چهاردهم)؛  
۶- عصر جدید (سده اخیر).

همراه گفتگو با جناب دکتر پاکتچی و پیگیری جریان تاریخ تفسیر  
قرآن کریم، کوشش می‌شود رگه‌های روش تفسیری در این دوره‌های  
تاریخی نیز شناسایی شود.

روش‌شناسی  
نظریه و مکتب  
تفسیری پیشرفت  
شناخت

با دانستن چیستی مکتب قرآن پژوهی پیشرفت و سیری در نظریات  
برجسته در این عرصه، بینش معرفت‌شناخت، پیشینه این مکتب نیز  
در دسترس تحقیق آمده است و می‌توان به تبیین و صورت بندی  
روش‌شناسی مبناي این مکتب تفسیری وارد شد. پس تا این گام  
می‌دانیم که اندیشه و دانش قرآن پژوهی پیشرفت و پیشرفت پژوهی  
قرآنی چیست و چرا میانداری آن در نظام ملی تولید علم ضرورت  
دارد. با این بینش پایه به اصل و ضرورت مکتب مزبور، میتوان از  
روش‌شناسی مورد نیاز آن سخن گفت و به گفت و گو پرداخت.  
اصل نظریه برگزیده در این عرصه، در جای خویش تفصیل گرفته  
است و در این مجال، گفت و گوی در باب مبانی روش و تبیین  
و صورت‌بندی منظومه روش‌های تفسیری برگزیده با اساتید مدعو،  
پیش‌رو خواهد بود.

رویکرد نوین بر ساختی معرفت‌شناسی پیشینی و پسینی دوره  
معاصر اندیشه تحول از سویی و اندیشه اسلامی و اندیشه ایرانی از  
دیگر سو، چشم انداز معیار اندیشه دین‌شناخت پیشرفت را به میان  
آورده است و بر مدار این معیار، فهم قرآن کریم و اساسا اندیشه قرآن

“  
جغرافیای گفتگو در باب روش چیست؟  
روش چیست و چرا روش؟ بایستگی‌های  
روش تفسیری کدام است؟  
”

شناخت معاصر از دو چشم انداز پیشینی و پسینی در طبق بازخوانی  
قرار می‌گیرد. رویکرد معرفت‌شناخت پسینی به جریان‌های فهم و  
تفسیر قرآن کریم، آغاز گردیده است؛ لیکن، معیار قرآن‌شناخت  
پیشرفت و پیشرفت شناخت قرآنی، در میان نیامده است. به همین  
روی، فهم پیشینی منجر به اقتدار توسعه‌ای اندیشه قرآنی به میان  
نمی‌آید تا در پس وضعیت‌شناسی جریان‌های یاد شده، به الگوی  
اقدامی راهبرنده‌ای در رسد و روش صورت بندی شده، حیث اجرایی  
بیابد. این حکایت در حیث بازخوانی روش‌شناسی‌های فهم و تفسیر  
قرآن کریم، در اسلام و ایران معاصر نیز جاری است.

روش‌شناسی عضوی از نظام جامع معرفت‌شناسی همراه با مبانی  
معرفت‌شناسی عام، مبانی خاص فلسفه علوم و معارف درون دینی  
و بیرون دینی، مبانی روان‌شناسی علم، جامعه‌شناسی علم و تاریخ  
علم، در بنیان پارادایمی الگوی پیشرفت جای دارد. این مساله خود  
بخش به سه سطح مساله می‌شود:

۱- اساس فلسفه روش تحقیق و پژوهش تفسیری مساله محور  
پیشرفت با نظام مسائلی چون وجه فارق الگوی برگزیده تفسیری،  
نقش الگوی تنزیلی در روش‌شناسی پژوهش تفسیری، اندیشه  
پیشرفت پژوهی و مدیریت پیشرفت؛

۲- اصول راهبردی و فنون کاربردی روش تحقیق و تفسیر مساله  
محور پیشرفت با نظام مسائلی چون اصول روش تحقیق به تناسب  
سطوح برگزیده پارادایمی مانند اصول روش پژوهش تفسیری مبتنی  
بر بینش فلسفه دینی پیشرفت شناخت؛

۳- منظومه روش‌های تفسیر و مدیریت تحول با نظام مسائلی  
چون روش‌شناسی اقتدار توسعه‌ای علوم انسانی قرآن بنیان.  
روش‌شناسی برگزیده فراز اول منجر به نظام اصول روش تحقیق  
در گام دوم شده تا مبتنی بر آن بتوان به منظومه روش‌های تفسیر و  
مدیریت تحول وارد شد.

فصل برجسته‌ای از رخدادهای معاصر در عرصه تفسیر قرآن کریم،  
رویکرد به تنقیح مبانی تفسیر و به طور خاص مبانی روش‌شناختی آن  
است. اصول روش پژوهش تفسیری با انواع مذاق‌های روش‌شناختی  
در متون معاصر روش تفسیر در حد مناسبی در دسترس است؛  
لیکن درباره نسبت چیستی میان این روش‌ها و چرایی آنها و کارکرد  
آنها در ذیل مکتب تفسیری پیشرفت نگر، پژوهش تفصیلی چندانی  
در دسترس نیست. افزون بر آن که بر فرض وجود این روش‌شناسی،  
کاربرد بهینه روش‌شناسی مزبور نیز کمتر دیده می‌شود و همچنان  
دستاورد‌های اندیشه‌ای و پژوهشی علامه شهید سیدمحمدباقر  
صدر و برخی دیگر اندیشمندان در حد اندک‌تری، تا ذخیره این  
کاربردشناسی است. جغرافیای گفتگو در باب روش چیست؟ روش  
چیست و چرا روش؟ بایستگی‌های روش تفسیری کدام  
است؟